

هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری مستقل

روح اله رجبی^۱، حمزه محمدی خوشی^{۲*}

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه اصفهان، ایران
۲. کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۳۰، تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۶/۳)

چکیده

از لحاظ نظری انتظار می‌رود وجود رابطه نمایندگی، گسترش و تنوع آن از طریق اثرگذاری بر اندازه، ریسک و پیچیدگی واحد مورد حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی موثر باشد اما در این رابطه شواهد کمی مستند شده است. این پژوهش درصدد بررسی رابطه هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری در ایران است. براین اساس عوامل اثرگذار بر قیمت‌گذاری خدمات حسابداری به همراه شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی به عنوان متغیرهای مستقل و حق‌الزحمه خدمات حسابداری به عنوان متغیر وابسته تعیین شده است. در این پژوهش فرضیه اعم عبارت است از اینکه بین شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی با حق‌الزحمه خدمات حسابداری رابطه‌ای معنی دار وجود دارد. اطلاعات مورد نیاز برای آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، از طریق یک مدل رگرسیون، از شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ به دست آمده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بین برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری رابطه‌ای معنی دار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی:

بیان مساله

منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه‌ای تامین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می‌شود. حسابرسان جهت قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. عوامل توصیفی که در اغلب مطالعات مدنظر قرار گرفته‌اند شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است [۲۲]. در این خصوص دفاند [۱۳] عنوان نموده که مدل‌های به دست آمده شامل این عوامل، قدرت توصیفی بالایی دارند و از طریق نمونه‌ها، کشورها و دوره‌های زمانی تقویت شده‌اند. پژوهش‌های انجام شده در کشورهای گوناگون که سعی در بررسی عوامل اثرگذار بر نحوه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی داشته‌اند متغیرهای مستقل متفاوتی را به عنوان عامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی ارائه کرده‌اند [۱۴] و [۱۶].

با افزایش منابع در اختیار مدیریت، میزان افراد ذینفع و در ارتباط با شرکت نیز افزایش می‌یابد که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. در نتیجه تضاد منافع، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه‌های نمایندگی شوند [۱۵]. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می‌نماید تا هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد. اما به علت اختیارات مدیریت، نیاز نظارت بر عملکرد مدیر، قضاوت کارشناسانه حسابرس مستقل را مطرح می‌نماید [۱۴]. جهت استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. بر این اساس هزینه‌های نمایندگی به لحاظ نظری می‌تواند از طریق افزایش ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحدهای مورد رسیدگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی اثری فزاینده داشته باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی اثر هزینه‌های نمایندگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی است.

پیشینه پژوهش

با مروری بر مطالعات صورت گرفته در زمینه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی می‌توان قدمت این پژوهش‌ها را در حدود سه دهه تخمین زد. به منظور آشنایی با این حوزه از

مطالعات حسابرسی در ادامه بخشی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه قیمت گذاری خدمات حسابرسی ارائه می‌گردد.

پژوهش‌های داخلی

رجبی [۵]، با ارائه مدلی از عوامل اثرگذار بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی این موضوع را بررسی نموده اند که آیا حرفه حسابرسی توانسته منافع خود را با ارائه خدمات حسابرسی تامین نماید؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حرفه حسابرسی در ایران از نقطه نظر حق الزحمه حسابرسی برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ از قدرت کافی برخوردار نبوده و نتوانسته است منافع اقتصادی مستقیم خود را به طور کامل تامین نماید. براساس این نتایج، حق الزحمه‌های کسب شده به دلایلی احتمالی همچون کاهش حاشیه سود پروژه‌های حسابرسی، اجرای رویه‌های با هزینه کمتر و عدول از استانداردهای حسابرسی، کمتر از میزان مورد انتظار بوده است.

علوی طبری [۸]، عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل را مطالعه نموده است. هدف این پژوهش بررسی میزان اثرگذاری وجود حسابرسی داخلی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، که مدل-های ارائه شده در مورد عوامل تعیین کننده حق الزحمه خدمات حسابرسی با اطلاعات آماری ایران همخوانی دارد و همچنین شواهد تجربی رابطه بین وجود حسابرسی داخلی و اثر کاهشی آن بر حق الزحمه حسابرسی مستقل را تایید می‌کند.

پژوهش‌های خارجی

نیکین و دیگران [۱۸]، اثر ریسک بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی در کشور انگلستان را بررسی نموده اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که حق الزحمه خدمات حسابرسی با ابعاد ریسک (ریسک مالی، ریسک عملیاتی و ریسک تجاری) رابطه‌ای مستقیم دارد. طبق یافته‌های پژوهش هزینه‌های نمایندگی، حجم عملیات شرکت و پیچیدگی حسابرسی توانایی توصیف حق الزحمه خدمات حسابرسی برخوردار هستند.

تیلور و دیگران [۲۳]، اثر عوامل خرد (شامل ویژگی‌های حسابرس و واحد مورد حسابرسی) و کلان اقتصادی (قانونگذاری، میزان افشا و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر حق الزحمه خدمات حسابرسی را در ۲۰ کشور مختلف و در سطح بین‌المللی بررسی

نموده‌اند. طبق نتایج پژوهش شرایط محیطی (قانونگذاری، میزان افشا و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر نوسانات حق‌الزحمه حسابرسی در بازار جهانی خدمات حسابرسی اثرگذار است و میان میل به قانونگذاری بیشتر و سطوح افشای بالاتر و طرح دعاوی افزون‌تر علیه حسابرسان با حق‌الزحمه بیشتر خدمات حسابرسی رابطه مستقیم وجود دارد.

ژول [۱۴] و دیگران، اثر اختیارات مدیریت به عنوان معیار هزینه‌های نمایندگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در هنگ‌کنگ را بررسی نموده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان ادعا نمود که هزینه‌های نمایندگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی اثرگذار هستند و می‌توان در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی آنها را در نظر گرفت.

سایمونیک [۲۰]، شرایط کسب منافع اقتصادی حسابرسان را در بازار خدمات حسابرسی کشور آمریکا مطالعه نموده است. براساس این پژوهش حق‌الزحمه خدمات حسابرسی شامل سه عامل هزینه فعالیت حسابرسی، سود مورد انتظار حسابرس از ارائه این خدمات و ریسک ارائه خدمات مذکور است که به نظر می‌رسد در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی باید این عوامل مورد توجه قرار گیرند.

در میان مطالعات اشاره شده در بالا، پژوهش حاضر به بررسی حق‌الزحمه خدمات حسابرسی در قالب رابطه آن با هزینه‌های نمایندگی می‌پردازد که در زمینه مطالعات داخلی از اولین تحقیقات در مورد حق‌الزحمه خدمات حسابرسی به شمار می‌آید.

مرور ادبیات نظری

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی نشان می‌دهد عوامل اثرگذار بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، با استفاده از عوامل اثرگذار بر حجم کار حسابرسی به عنوان محرک حق‌الزحمه خدمات حسابرسی تعیین گردیده است [۱۲]، [۱۴] و [۱۹]. انگیزه انجام چنین مطالعاتی، استفاده از ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی و حسابرس به عنوان عوامل اثرگذار بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی برای استخراج مدلی جهت قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی بوده است. در بازار خدمات حسابرسی انتظار همه حسابرسان در صحنه رقابت، ماندگاری در بازار و عرصه انحصار منافع بیشتر است. براین اساس هدف از قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی نیز، تعیین ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی است که می‌تواند بر حجم فعالیت حسابرس و در نتیجه حق‌الزحمه خدمات حسابرسی اثرگذار باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین [۱۴]، [۱۶] و [۲۱] هر عاملی

از ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی که می‌تواند بر حجم فعالیت حسابرس و در نتیجه حق‌الزحمه خدمات حسابرسی اثرگذار باشد، بر یکی از سه عامل توصیفی واحد مورد رسیدگی یعنی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات آن واحد اثرگذار است. بر این اساس می‌توان در مطالعه قیمت گذاری خدمات حسابرسی، عوامل اثرگذار بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی را از طریق اثر این عوامل بر سه عامل توصیفی یاد شده بررسی کرد. در پژوهش حاضر نیز از دو گروه عوامل عمومی و شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی به عنوان عوامل اثرگذار بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی استفاده شده، که از دیدگاه نظری اثرگذاری این عوامل بر عوامل توصیفی عملیات واحد مورد رسیدگی قابل طرح است.

در پژوهش حاضر پنج متغیر متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، نسبت مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌ها، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها، پایان سال مالی و نوع حسابرس واحد مورد رسیدگی به عنوان عوامل عمومی اثرگذار بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی به عنوان متغیرهای اولیه و به همراه شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی بکار گرفته شده است. اثرگذاری این متغیرهای عمومی بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی، همانند شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی، از طریق مطالعات پیشین [۵]، [۸]، [۱۴]، [۱۶] و [۱۹] تایید گردیده است. از میان این پنج متغیر دو متغیر پایان سال مالی و نوع حسابرس واحد مورد رسیدگی با قدری پیچیدگی در مبانی نظری همراه هستند که در ادامه تشریح می‌گردند.

پایان سال مالی

کار حسابرسی به واسطه مطابقت سال مالی بسیاری از شرکت‌ها با سال خورشیدی به صورتی درآمده است که تراکم فعالیت حسابرسان در مقطعی از زمان، یعنی چهارماه اول سال خورشیدی بسیار زیاد می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود حسابرسان جهت کاهش این تراکم کاری تمایل زیادی به انجام حسابرسی شرکت‌هایی داشته باشند که پایان سال مالی آن‌ها مطابق با سال خورشیدی نباشد و برای این منظور حق‌الزحمه کمتری را دریافت نمایند.

نوع حسابرس

سازمان حسابرسی در ایران به عنوان یک موسسه حسابرسی دولتی به ارائه خدمات حرفه‌ای حسابرسی می‌پردازد و به نسبت سایر موسسات حسابرسی، از حجم صاحبکاران بالاتری برخوردار است. به علاوه به واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری، این سازمان در پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه‌ای از حاشیه امنیتی برخوردار است که توانسته در عرصه رقابت با سایر موسسات غیردولتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد. بنابراین انتظار می‌رود این سازمان، همانند چهار موسسه بزرگ حسابرسی دنیا که به نسبت سایر رقبا در عرصه بین‌المللی دارای صرفی در حق الزحمه خدمات حرفه‌ای می‌باشند، در بازار خدمات حسابرسی در ایران به نسبت رقبا حق الزحمه بیشتری دریافت نماید.

در تئوری نمایندگی مشکل تضاد منافع با کارگزار دغدغه‌ای همیشگی برای کارگمار است. براین اساس همواره کارگمار به دنبال راهی برای حل این مشکل بوده تا به نحوی کارگزار را به اقدام در جهت هدف اصلی هر شرکت، یعنی حداکثرسازی منافع کارگماران آن، تحریک نماید. بنابراین کارگمار باید مخارجی را متحمل گردد تا بتواند منافع کارگزار را با خود همسو نماید یا حداقل از اقدامات وی در جهت منافع خودش کسب اطمینان نماید. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه انعقاد قرارداد میان کارگمار و کارگزار و شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود.

هزینه‌های نمایندگی را می‌توان به سه گروه عمده طبقه بندی کرد [۱۵]. گروه اول، مخارج مربوط به نظارت بر عملکرد و تلاش‌های مدیر، مانند هزینه سازوکارهای کنترلی و نظارتی، است. گروه دوم، هزینه‌های مربوط به ساختار سازمانی هستند به گونه‌ای که بتوان رفتار نا مطلوب مدیر را محدود کرد. گروه سوم از هزینه‌های نمایندگی شامل هزینه‌های فرصت از دست رفته ناشی از اعمال محدودیت بر مدیر است.

وجود رابطه نمایندگی متضمن ایجاد هزینه‌های نمایندگی است [۱۷]. به عبارتی دیگر هر چه هزینه‌های نمایندگی در یک شرکت افزایش یابند، نشان دهنده افزایش شدت تضاد منافع در آن شرکت می‌باشد. براین اساس پژوهشگران برای بررسی رابطه نمایندگی به مطالعه هزینه‌های نمایندگی، به عنوان معیاری پرداخته‌اند که نه تنها تایید کننده رابطه نمایندگی و مشکل تضاد منافع است، بلکه نشان دهنده میزان تضاد منافع نیز می‌باشد. در این راستا همواره اندیشمندان تلاش نموده‌اند تا با اندازه‌گیری این هزینه‌ها، رابطه نمایندگی را مطالعه کنند، اما محققان در اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی با مشکل مواجه هستند... در

راستای حل این مشکل پژوهشگران انتخاب و استفاده از شاخص یا شاخص‌هایی را پیشنهاد نمودند که این شاخص یا شاخص‌ها خود معرف هزینه‌های نمایندگی در یک شرکت باشند تا بدین واسطه بتوانند رابطه نمایندگی و تضاد منافع حاکم بر آن را بررسی کنند [۱۰].

در این پژوهش شش متغیر نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل، درصد سهم اولین سهامدار عمده، درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی، تعداد کارکنان و اصلی و فرعی بودن واحد مورد رسیدگی حسابرسی به عنوان شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی بکار گرفته شده‌اند. این شاخص‌ها دارای پشتوانه نظری هستند و در مطالعات پیشین خارجی در زمینه هزینه‌های نمایندگی استفاده و میزان توصیف کنندگی آنها تایید شده است، اما در ایران مطالعه نشده‌اند. این متغیرها و انتظار نظری از اثرگذاری آنها در ادامه تشریح می‌شود.

نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها

نسبت بدهی رابطه نمایندگی و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی را از طریق میزان تامین مالی خارج از حوزه مالکیت نشان می‌دهد. افزایش در نسبت بدهی به علت تاکید بر رابطه نمایندگی میان مدیریت و اعتباردهندگان احتمالاً تقاضا برای خدمات حسابرسی و حق الزحمه این خدمات را افزایش می‌دهد [۱۰].

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل

مفاهیم نظری حسابرسی توصیه می‌کند وظیفه انتخاب حسابرسی مستقل به عهده کمیته حسابرسی هر شرکت، تشکیل شده از اعضای غیرموظف هیئت مدیره باشد. کمیته حسابرسی به همراه سایر اعضای موظف هیئت مدیره مسئول عملکرد گزارش شده شرکت هستند، اما برخلاف اعضای موظف هیچ اختیاری در تصدی امور اجرایی شرکت ندارند. بنابراین کسب اطمینان از عملکرد واقعی شرکت برای این اعضا از اهمیتی ویژه برخوردار است و می‌تواند در مقابل وقوع هزینه‌های نمایندگی همانند یک عامل بازدارنده و خواهان کاهش پیچیدگی عملیات واحد اقتصادی عمل کند [۱۰] و [۱۴].

درصد سهم اولین سهامدار عمده

مالک در رابطه با مدیر به عنوان یکی از ارکان رابطه نمایندگی نقشی اثرگذار را ایفا می‌نماید. هر چه تعداد مالکان در یک رابطه نمایندگی افزایش یابد بر پیچیدگی رابطه می‌افزاید. این فرض محتمل است که افزایش کنترل یک شخص بر واحد اقتصادی به عنوان اولین سهامدار عمده می‌تواند موجب کاهش پیچیدگی عملکرد واحد گردد [۱۰] و [۱۴]. بنابراین انتظار می‌رود کاهش در پیچیدگی عملیات یک واحد تجاری به واسطه افزایش سهم اولین سهامدار عمده موجب کاهش حق‌الزحمه خدمات حسابرسی گردد.

درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی

به واسطه ساختار دولتی اقتصاد ایران و همچنین نقشی که دولت به عنوان سهامدار در بسیاری از شرکت‌ها بر عهده گرفته است الگوی ویژه‌ای از رابطه نمایندگی میان مدیر و مالک دولتی پدیدار گردیده است. نقش دولت در این الگوی خاص از رابطه نمایندگی، به واسطه مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست‌های مالکیتی آن، نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های با سهامداری دولت و نهادهای دولتی را فراهم آورده است که انتظار می‌رود این کنترل بتواند از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. بنابراین این احتمال وجود دارد که کاهش در پیچیدگی‌های عملیاتی یک واحد اقتصادی موجب کاهش در حق‌الزحمه خدمات حسابرسی گردد [۱۴].

تعداد کارکنان

رابطه مدیر و کارگر در هر واحد اقتصادی نمونه‌ای از یک رابطه نمایندگی است. افزایش تعداد کارکنان یک واحد اقتصادی، به واسطه تاکید بر رابطه نمایندگی میان سطوح پایین و سطوح بالای مدیریت و افزایش حجم و پیچیدگی عملیات واحد اقتصادی، می‌تواند موجب گسترش تقاضا برای خدمات حسابرسی و نتیجتاً افزایش حق‌الزحمه این خدمات گردد [۱۰].

اصلی و فرعی بودن

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند بر پیچیدگی رابطه نمایندگی بیافزاید گستردگی شرکت در بخشی است که مدیریت به عنوان نماینده شرکت نقش مالک را در سایر شرکت‌ها ایفا

می‌نماید. یعنی هنگامی که شرکت سهامدار چند واحد فرعی دیگر باشد و براساس استانداردهای حسابداری علاوه بر صورت‌های مالی خود ملزم به ارائه صورت‌های مالی تلفیقی به همراه شرکت‌های وابسته نیز باشد [۵]. بدین واسطه انتظار می‌رود افزایش حجم و پیچیدگی عملیات شرکت، به دلیل شمول گزارشگری مالی تلفیقی، موجب افزایش در حق‌الزحمه خدمات حسابرسی گردد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اعم پژوهش عبارت است از اینکه بین شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. برای آزمون فرضیه اعم به ازای هر یک از یازده متغیر مستقل پژوهش یک فرضیه به شرح جدول ۱ ارائه شده است.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش، همبستگی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار برای سال مالی ۱۳۸۴ استفاده شده است. با توجه به جامعه آماری این پژوهش، حجم نمونه پس از انجام مطالعه اولیه و با استفاده از روش آماری مناسب معادل ۸۱ شرکت تعیین گردیده است. سپس با گردآوری داده‌های اولیه، این داده‌ها از طریق روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی و با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و Spss تجزیه و تحلیل شده است.

نگاره ۱. فرضیه‌های اخص پژوهش

شرح	فرضیه
بین متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۱)
بین نسبت کل حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌ها با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۲)
بین کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۳)
بین نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۴)
بین تعداد کارکنان با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۵)
بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۶)
بین درصد سهم اولین سهامدار عمده با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۷)
بین درصد سهام نهادهای دولتی و شبه دولتی با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۸)
بین اصلی و فرعی بودن با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۹)
بین پایان سال مالی با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۱۰)
بین نوع حسابرس با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.	اخص (۱۱)

مدل پژوهش

مدل پژوهش که برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده به شرح ذیل می‌باشد:

$$\ln Fee_i = \alpha + \beta_1 \ln Ass.Rev_i + \beta_2 Rec.Inv_i + \beta_3 Deb_i + \beta_4 Roi_i + \beta_5 Labor_i + \beta_6 Nex_e_i + \beta_7 S.Owner_i + \beta_8 S.Govern_i + \beta_9 Con_i + \beta_{10} Year_i + \beta_{11} Auditor_i$$

برای بررسی اثر عوامل متعدد بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، یک مدل رگرسیون چند متغیره تدوین شده است. در این پژوهش، متغیر وابسته حق‌الزحمه خدمات حسابرسی ($\ln Fee$) و متغیرهای مستقل عوامل عمومی - شامل لگاریتم متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی ($\ln Ass.Rev$)، نسبت مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به جمع دارایی‌ها ($Rec.Inv$)، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها (Roi)، پایان سال مالی ($Year$) و نوع حسابرس ($Auditor$) - و شاخصهای هزینه‌های نمایندگی - شامل نسبت کل بدهی به جمع دارایی‌ها (Deb)، نسبت اعضای غیرموظف

هیئت مدیره به کل (Nexe)، درصد سهم اولین سهامدار عمده (S.Owner)، درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی (S.Govern)، تعداد کارکنان (Labor)، و اصلی و فرعی بودن (Con) - می‌باشند که در قالب یک مدل رگرسیون چند متغیره ارائه گردیده‌اند. در مطالعات پیشین از روش‌هایی گوناگون جهت محاسبه متغیرها استفاده شده است [۵]، [۸]، [۱۴]، [۱۶] و [۲۰]. برای محدود کردن تغییرات متغیرهای ناهمگن، به دلیل تفاوت در ویژگی‌های شرکت‌های انتخاب شده، از دو شیوه استفاده شده است. از نسبت‌های همگن شده به نسبت مجموع دارایی‌های هر واحد، به عنوان معیار اندازه واحد تجاری، برای متغیرهای نسبت مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌ها، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها و نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها استفاده شده است. برای بکارگیری متغیرهای حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی در مدل قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی نیز از لگاریتم طبیعی این متغیرها برای تعدیل نوسانات آنها استفاده شده است. از میان روش‌های گوناگون جهت تعدیل نوسانات این دو متغیر، لگاریتم طبیعی به واسطه محدود کردن تغییرات متغیرها در گستره‌ای محدود، از کارایی بیشتری برخوردار می‌باشد. برای مطالعه اثرگذاری متغیرهای کیفی شامل پایان سال مالی، نوع حسابرس و اصلی و فرعی بودن نیز از متغیرهای ساختگی استفاده شده است. سایر متغیرها نیز بدون تعدیلات بکار گرفته شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش به شرح نگاره ۲ و ۳ است.

مدل تایید شده

بر اساس فرضیه‌های پژوهش، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین چهار متغیر متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، درصد سهم اولین سهامدار، پایان سال مالی و نوع حسابرس با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار برقرار است. بنابر نتایج حاصل از آزمون مدل اولیه پژوهش، مدل حاصل شامل چهار متغیر مستقل و یک متغیر وابسته به شرح ذیل است:

$$\ln Fee_i = 13.449 + 0.21 \ln Ass.Rev_i - 0.394 S.Owner_i + 0.246 Year_i + 0.71 Auditor_i$$

ضریب همبستگی به دست آمده این مدل رگرسیون (جدول ۲) نشان دهنده وجود رابطه بین متغیرهای معنی دار و مستقل مدل با متغیر پاسخ مدل به میزان ۰/۸۷۶ است. همچنین ضریب تعیین مدل (جدول ۲) بیانگر این مطلب است که به میزان ۰/۷۶۷ از تغییرات متغیر پاسخ مدل توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

تکراه ۲. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اعم پژوهش

نتیجه	\bar{R}^2	R^2	ρ	df	p	F	فرضیه
تایید فرضیه	۰/۷۵۵	۰/۷۶۷	۰/۸۷۶	۷۶	۰/۰۰۰	۶۲/۷۱۷	هزینه‌های نمایندگی بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی تاثیرگذار می‌باشد

تکراه ۳. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های اخص پژوهش

نتیجه	p	t	β	متغیر مستقل	فرضیه
تایید شد.	۰/۰۰۰	۸/۹۸۳	۰/۲۱	In Ass.Rev	اخص (۱)
تایید نشد.	۰/۵۷۱	-۰/۵۶۹	-۰/۰۳۳	Rec.Inv	اخص (۲)
تایید نشد.	۰/۵۶۵	۰/۵۷۸	۰/۰۳۴	Deb	اخص (۳)
تایید نشد.	۰/۹۳۱	۰/۰۸۷	۰/۰۰۵	Roi	اخص (۴)
تایید نشد.	۰/۷۰۹	-۰/۳۷۴	-۰/۰۲۷	Labor	اخص (۵)
تایید نشد.	۰/۸۷۵	۰/۱۵۸	۰/۰۱	Nexe	اخص (۶)
تایید شد.	۰/۰۰۶	-۲/۸۳۱	-۰/۳۹۴	S.Owner	اخص (۷)
تایید نشد.	۰/۶۵۳	-۰/۴۵۲	-۰/۰۲۸	S.Govern	اخص (۸)
تایید نشد.	۰/۹۱۲	۰/۱۱۱	۰/۰۰۷	Con	اخص (۹)
تایید شد.	۰/۰۰۲	۳/۲۴	۰/۲۴۶	Year	اخص (۱۰)
تایید شد.	۰/۰۰۰	۱۰/۶۱۶	۰/۷۱	Auditor	اخص (۱۱)

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی شده اثر رابطه نمایندگی در قالب رابطه شرکت با بستانکاران، اعضای هیئت مدیره، سهامداران، دولت، کارکنان بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مطالعه شود. انتظار می‌رود گسترش رابطه نمایندگی به دلیل توجیه ضرورت حسابرسی از طریق افزایش در حق الزحمه تقاضای بیشتر برای حسابرسی را توجیه نماید. نتیجه تحقیق نشان داد روابط نمایندگی اثری معنادار بر تقاضا برای خدمات حسابرسی ندارد و تنها متغیر اثرگذار مربوط به درصد اولین سهامدار عمده با اثر کاهنده بر حق الزحمه حسابرسی بوده است. بدین معنی که هرچه درصد سهام اولین سهامدار عمده بیشتر باشد، چون رابطه نمایندگی متمرکز تر

می‌شود، هزینه نمایندگی کاهش می‌یابد و به تبع آن حق الزحمه حسابرسی نیز کاهش می‌یابد. سایر دستاوردهای پژوهش به شرح است:

الف) عوامل عمومی اثرگذار بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی

الف-۱) متغیرهایی که رابطه آنها با قیمت گذاری خدمات حسابرسی تایید گردیده است:

۱) از نقطه نظر آماری لگاریتم متوسط مجموع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی (In Ass.Rev) با حق الزحمه خدمات حسابرسی (In Fee) رابطه مستقیم دارد. مطابق پژوهشهای پیشین افزایش دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی از طریق افزایش حجم و پیچیدگی عملیات موجب افزایش حجم کار و حق الزحمه خدمات حسابرسی می‌گردد.

۲) متغیر پایان سال مالی با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه مستقیم دارد. به واسطه مطابقت سال مالی بسیاری از شرکت‌ها با سال خورشیدی تراکم فعالیت حسابرسان در مقطع چهارماه اول سال خورشیدی بسیار زیاد است. بدین واسطه حسابرسان تمایل دارد تا تراکم فعالیت در آن مقطع کاهش یافته و انجام حسابرسی به زمانی دیگری از سال موکول گردد. بنابراین حسابرسان جهت کاهش این تراکم کاری تمایل زیادی به انجام حسابرسی شرکت‌هایی دارند که پایان سال مالی آنها مطابق با سال خورشیدی نباشد و برای این منظور حق الزحمه کمتری را دریافت می‌نمایند.

۳) نوع حسابرسان با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه مستقیم دارد. سازمان حسابرسی به عنوان نهادی دولتی در بازار ارائه خدمات، پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه‌ای از حاشیه امنیتی برخوردار است، که برگرفته از ساختار دولتی و انتخاب قهری آن است، بدین واسطه این سازمان، همانند چهار موسسه بزرگ حسابرسی دنیا که براساس برخی از مطالعات صورت گرفته به نسبت سایر رقبا در عرصه بین‌المللی دارای صرفی در حق الزحمه خدمات حرفه‌ای هستند، در بازار خدمات حسابرسی در ایران به نسبت رقبا حق الزحمه بیشتری دریافت می‌نمایند. بنابراین نوعی انحصار را در ارائه و قیمت گذاری خدمات توسط سازمان حسابرسی وجود دارد.

الف-۲) متغیرهایی که رابطه آنها با قیمت گذاری خدمات حسابرسی تایید نگردیده است:

از نقطه نظر آماری نسبت مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌ها (Rec.Inv) با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار ندارد.

(نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها (*Roi*) با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار ندارد.

ب) شاخص‌های هزینه‌های نمایندگی

ب-۱) متغیرهایی که رابطه آنها با قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی تایید گردیده است:
 ۱) از نقطه نظر آماری درصد سهم اولین سهامدار عمده (*S.Owner*) با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه معکوس دارد. تضاد منافع از طریق بروز هزینه‌های نمایندگی به صورت مستقیم بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی اثرگذار است. این امر بدان جهت است که در رابطه میان مالک و مدیر، مالک به عنوان یکی از ارکان رابطه نمایندگی نقشی اثرگذار را ایفا می‌نماید. به علاوه هر چه تعداد مالکان در یک رابطه نمایندگی افزایش یابد بر پیچیدگی رابطه افزوده می‌شود. براین اساس به واسطه پررنگ شدن نقش یک سهامدار عمده، روابط نمایندگی میان مدیر و سهامداران بیشتر متمرکز بر یک رابطه شده و سایرین در حاشیه قرار می‌گیرند. در نتیجه یک سهامدار عمده با قدرت نفوذ خود از توان نظارتی بیشتری برخوردار است، که همین امر موجبات کاهش هزینه‌های نمایندگی و تضاد منافع را فراهم می‌آورد.

ب-۲) متغیرهایی که رابطه آنها با قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی تایید نشده است:
 ۱) نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها (*Deb*) با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار ندارد. چراکه عمده اعتباردهندگان در ایران به شکل دولتی و یا شبه دولتی هستند و همچنین نحوه تخصیص اعتبار صرفاً براساس تصمیمات کلان دولت و به شکل‌های محدودی صورت می‌گیرد. براین اساس چنین اعتباردهندگانی در تعامل با متقاضیان اعتبار از قدرت کنترلی و نظارتی محدودی برخوردار هستند و نمی‌توانند موجب ایجاد شرایط متفاوتی در حجم و پیچیدگی عملیات واحدهای تجاری گردند.
 ۲) از نقطه نظر آماری نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل (*Nexe*) با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار ندارد. طبق مفاهیم نظری حسابرسی کمیته حسابرسی نقش انتخاب حسابرس مستقل را دارد، اما شرایط حاکم بر ساختار سازمانی شرکت‌ها در ایران، موجب شده تا وجود صوری اعضا غیرموظف هیئت مدیره نتواند در مقابل وقوع هزینه‌های نمایندگی همانند یک عامل بازدارنده و کاهنده

پیچیدگی عملیات واحد اقتصادی عمل کند و بر حق الزحمه خدمات حسابرسی اثرگذار باشد.

(۳) از نقطه نظر آماری درصد سهم نهادهای دولتی و شبه دولتی (*S.Govern*) با حق الزحمه خدمات حسابرسی رابطه‌ای معنی‌دار ندارد. به واسطه ساختار دولتی اقتصاد کشور ایران و همچنین نقشی که دولت به عنوان سهامدار در بسیاری از شرکت‌های تولیدی بر عهده گرفته است الگوی ویژه‌ای از رابطه نمایندگی میان مدیر و مالک دولتی پدیدار گردیده است. نقش دولت در این الگوی خاص از رابطه نمایندگی، به واسطه مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست‌های مالکیتی آن، انتظار نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های با سهامدار دولت و نهادهای دولتی را به وجود آورده است. اما بر خلاف انتظار، به واسطه نبود ابزار کنترلی مناسب از جمله بودجه عملیاتی برای ارزیابی عملکرد، این کنترل نتوانسته از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد و بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد.

(۴) از نقطه نظر آماری تعداد کارکنان (*Labor*) با حق الزحمه خدمات حسابرسی (*In Fee*) رابطه‌ای معنی‌دار ندارد. رابطه مدیر و کارگر در هر واحد اقتصادی نمونه‌ای از یک رابطه نمایندگی است. معضل بیکاری و شرایط خاص بازار نیروی کار در ایران، حاکی از تقاضای به شدت بالا برای فرصت‌های شغلی است. به علاوه نبود یک سازمان یا نهاد حمایتی برای این قشر موجب گردیده تا این حلقه از زنجیره تولید نتواند در رابطه خود با شرکت به صورت اثربخش عمل نماید.

(۵) از نقطه نظر آماری اصلی و فرعی بودن (*Con*) با حق الزحمه خدمات حسابرسی (*In Fee*) رابطه‌ای معنی‌دار ندارد. انتظار می‌رود افزایش حجم و پیچیدگی عملیات شرکت، به دلیل شمول گزارشگری مالی تلفیقی برای شرکت اصلی، موجب افزایش در حق الزحمه خدمات حسابرسی گردد. براساس نتایج حاصل از پژوهش، وجود رابطه میان اصلی و فرعی بودن با حق الزحمه خدمات حسابرسی تایید نگردیده است.

پیشنهادها

() موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی می‌توانند جهت برآورد اولیه از حق الزحمه خدمات حسابرسی از این مدل استفاده کنند.

(طبق نتایج پژوهش تقارن سال مالی با سال خورشیدی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی اثرگذار است. بنابراین شرکت‌ها می‌توانند با تغییر سال مالی، به واسطه فصلی بودن خدمات حسابرسی، هزینه‌های حسابرسی خود را کاهش دهند.

(نتایج پژوهش بیانگر آن است که حق‌الزحمه قابل کسب توسط سازمان حسابرسی به صورتی معنی‌دار متفاوت از سایر حساب‌برسان مستقل است، این موضوع می‌تواند نشانگر نوعی انحصار در ارائه خدمات حسابرسی، احتمالاً به صورت نرخ انحصاری بالاتر یا عدم کارایی، توسط سازمان حسابرسی باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد جهت رقابتی شدن بازار خدمات حسابرسی، حذف تبعات ناهنجار انحصار و حصول مزایای شرایط رقابتی از جمله بهبود کیفیت، واقعی شدن قیمت‌ها و... با بازنگری در قوانین و مقررات سازمان حسابرسی، به عنوان نهادی دولتی، از شکل ارائه‌کننده خدمات حسابرسی به صورت مرجع دولتی نظارت بر بازار خدمات حسابرسی تغییر نماید.

منابع

۱. اسلامی بیدگلی، غلامرضا و زارعی، حسین (۱۳۸۲). پژوهشی تجربی پیرامون روش‌های تحلیلی آماری در حسابرسی. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۱۰۷، دانشگاه تهران.
۲. انجمن حسابداری آمریکا (۱۳۷۷). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، علی نیکخواه آزاد، تهران، سازمان حسابرسی.
۳. حساس یگانه، یحیی و خالقی بایگی، احمد (۱۳۸۳). فاصله انتظاراتی بین حساب‌برسان و استفاده‌کنندگان از نقش اعتباردهی حساب‌برسان مستقل، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۵، ص ۲۹، دانشگاه تهران.
۴. حساس یگانه، یحیی و قاسمی، محسن (۱۳۸۴). محتوای اطلاعاتی کسری ذخایر مورد اشاره در گزارش حسابرسی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۲، شماره ۴۲، ص ۲۱، دانشگاه تهران.
۵. رجبی، روح‌اله (۱۳۸۴). عوامل موثر بر قدرت حرفه‌ای حسابرسی مستقل، رساله دکتری حسابداری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

۶. سجادی، سید حسین و ابراهیمی مند، مهدی (۱۳۸۴). عوامل افزایش‌دهنده استقلال حسابرسی مستقل، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۲، شماره ۴۰، ص ۶۱، دانشگاه تهران.
۷. سجادی، سید حسین و ناصح، لادن (۱۳۸۲). سودمندی حسابرسی مستقل صورت‌های مالی. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۶۵، دانشگاه تهران.
۸. علوی طبری، سیدحسین (۱۳۸۲). رابطه بین مخارج صرف شده برای حسابرسی داخلی با حق‌الزحمه حسابرسی مستقل، رساله دکتری حسابداری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. مجتهدزاده، ویدا و آقایی، پروین (۱۳۸۳). عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشگاه تهران.
۱۰. محمدی خشوئی، حمزه (۱۳۸۶). ارزیابی اثر هزینه‌های نمایندگی بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۱. والاس، واندا ای (۱۳۸۱). نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت، حامی امیر اصلانی، تهران، سازمان حسابرسی.

12. Dechow, P. M., R. G. Sloan, & A. P. Sweeney. (1995). "Detecting Earnings Management", *Accounting Review*, April, pp 193-225.
13. DeFond, M. L., J. R. Francis, and T. J. Wong. (2000). "Auditor industry specialization and market segmentation: Evidence from Hong Kong", *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, Spring, pp. 49-66.
14. Gul, Ferdinand A., J. Tsui, Charles J. P. Chen. (1998). "Agency Costs and Audit Pricing: Evidence on Discretionary Accruals", *Working paper*, City University of Hong Kong.
15. Jensen, M.C., Meckling, W. (1976). "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and capital structure", *Journal of Financial Economics*, 3, pp. 305-360.
16. Menon, K. & D. Williams. (2001). "Long term trends in audit fees", *Auditing a Journal of Practice and Theory*, March, Vol. 20, No. 1, pp. 115-136.

17. Namazi, M. (1985). "Theoretical Developments of Principal - Agent Employment Contract In Accounting: the State of the Art", *Journal of Accounting Literature*, 4, pp. 113-163.
18. Nikkinen, Jussi & Petri Sahlstrom. (2005). "Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk", *Advances in International Accounting*, Vol. 19, pp. 141- 151.
19. Palmrose, Z. (1986). "Audit fees and auditor size: Further evidence", *Journal of Accounting Research*, 24, pp. 97-110.
20. Simunic, D.A. (1980). "The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence", *Journal of Accounting research*, spring, pp. 161-190.
21. Simunic, D.A., and M.T. Stein. (1996). "The Impact of Litigation Risk on Audit Pricing: A Review of the Economics and the Evidence", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Supplement, pp. 119-134.
22. Sunder, Shyam, (1997). *Theory of Accounting & Control*. USA, Cincinnati: Southwest College.
23. Taylor, Mark h. & Daniel T. Simon. (1999). "Determinants of Audit Fees: The Importance of Litigation, Disclosure and Regulatory Burdens in Audit Engagements in 20 Countries", *The International Journal of Accounting*, Vol. 34, No. 3, pp. 375- 388.